



رویه حمایتی دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به بزه‌دیدگی جنسی کودکان

ریحانه زندی^۱، علی مولاییگی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

چکیده

در میان بزه‌دیدگان جرایم بین‌المللی، کودکان و نوجوانان به حمایت بیشتری نیازمند هستند، زیرا به لحاظ روانی و جسمانی در حال رشد بوده و شخصیت آن‌ها به درستی شکل نگرفته است. از این میان، بزه‌دیدگان جنسی با خطرهای بیشتری چون بزه‌دیدگی مکرر، بزه‌کاری در آینده، ورود به عرصه روسپیگری، رانده شدن از جامعه و انواع بیماری‌های آمیزشی روبه‌رو هستند. تحقیق پیش‌رو با روش کتابخانه‌ای به دنبال یافتن میزان توجه دیوان بین‌المللی کیفری به بزه‌دیدگی جنسی کودکان و هم‌چنین انواع حمایت‌های صورت گرفته از آن‌ها در این دادگاه می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دیوان بین‌المللی کیفری بیش از دادگاه‌های دیگر به این موضوع توجه نموده است، اما همچنان خلأها و نقاط ضعف بسیاری در عملکرد دیوان وجود داشته و از رویکرد نظری تا رویه عملی آن فاصله بسیاری وجود دارد که برقراری تعادل در اهداف دادرسی‌های دیوان و الگوپذیری از برخی نهادهای قضایی بین‌المللی را در مواردی ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: بزه‌دیدگان جنسی، کودکان، دیوان بین‌المللی کیفری، دیدگاه حمایتی، رویکرد حساس به کودک

^۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه دولتی قم، قم، ایران.

^۲. دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

فیلیپ آریه مورخ فرانسوی با نگارش کتاب «کودک و زندگی خانوادگی در رژیم حقوق باستان» در سال ۱۹۶۰ میلادی احتمالاً برای نخستین بار توجه مورخان را به غیبت کودکان در پژوهش‌های تاریخی جلب کرد و موجب شد تلنگری بر دیگر رشته‌های علوم انسانی وارد شود و تنها دو دهه بعد شمار انبوهی از پژوهش‌گران رشته‌های علوم انسانی، از غیبت کودکان در تحقیقات اجتماعی انتقاد کنند و خواستار توجه به کودکان نه به عنوان افرادی منفعل، بلکه به عنوان کنش‌گران فعال اجتماعی باشند (حاتمی، ۱۳۹۵: ۲۸). علم حقوق نیز نگاه خود به کودک را به اعتبار انسان بودنش تغییر داده و او را صاحب کرامت و منزلت انسانی دانسته و از نیمه دوم سده بیستم به تدریج حقوقی در سطح بین‌المللی برای وی پیش‌بینی و احصا کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۶). با این حال با گذشت سالیان زیاد از شکل‌گیری حقوق کودک هم‌چنان موارد زیادی از آزار و اذیت کودکان به ویژه از نوع جنسی مشاهده می‌شود. خشونت جنسی را گرچه در درجه اول خشونت جسمی از نوع جنسی می‌دانند، حمله‌ای به جنسیت قربانی است که ممکن است شامل حمله فیزیکی باشد یا خیر و شامل آزار و اذیت، استثمار، سوءاستفاده، تجاوز یا سایر رفتارهای جنسی بدون رضایت قربانی است. امروزه کودکان به همراهان ناخواسته اما جدایی‌ناپذیر درگیری مسلحانه تبدیل شده‌اند. گواه اثبات این ادعا تقریباً هر روز در اخبار، هشدارهای امدادگران و اعزام گروه‌های حقوق بشری ظاهر می‌شود. این موارد بر لزوم طراحی استراتژی‌هایی برای مقابله با آسیب‌های کودکان تأکید می‌کند (راکسیتز، ۲۰۰۹: ۱۰۹). از این رو ضرورت چنین تحقیقی از آن جهت است که در بسیاری از مواقع دولت‌ها عاملی در تحقق چنین جرایمی علیه کودکان بوده و از سوی دیگر بعضاً در دادگاه‌های بین‌المللی این موضوع مورد توجه قرار گرفته و راه کارهایی نیز برای حمایت بیشتر و بهتر به ویژه در دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به کودکان در نظر گرفته شده است.

از جمله نوشتگانی که در پیش‌تر در این حوزه به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به مقاله «بررسی حمایت از بزه‌دیدگی جنسی اطفال و کودک‌آزاری در جامعه» نوشته یوکابد رضایی اشاره داشت که در مجله پژوهش‌های حقوقی قانون یار منتشر گردیده است. این مقاله از نگرشی کلی و جامع برخوردار بوده و نگاهی دقیق به وضعیت کودکان مورد بحث را به مخاطب ارائه می‌نماید. با وجود این، نگرش مقاله بیشتر از دریچه جامعه‌شناسی بوده و تحلیل حقوقی تا حدودی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. همچنین می‌توان مقاله «سیاست جنایی تقنینی-قضایی ایران در قبال جرایم جنسی علیه کودکان در پرتوی اسناد بین‌المللی» نوشته امین جعفری و علی مولایی را مورد توجه قرار داد که در مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی به چاپ رسیده است. مقاله مورد بحث هر چند از رویکردی بسیار دقیق و تحلیل‌گرانه برخوردار است، اما تمرکز عمده و صرف آن بر رویکرد دیوان بین‌المللی کیفری نبوده و کلیت محاکم بین‌المللی از نسل دوم به بعد را مورد بحث و بررسی قرار داده و در عین حال، در این مقاله توجه به حقوق داخلی نسبت به بعد بین‌المللی غلبه یافته است. از آنجائیکه سوءاستفاده جنسی و استثمار کودکان نقض حقوق بشر و یک مشکل بهداشت عمومی با پیامدهای سنگین برای سلامت و توسعه جهانی است، آگاهی از ماهیت و مقیاس مسئله افزایش یافته و تلاش‌های مهمی برای جلوگیری از انواع خشونت‌ها علیه کودکان مورد نیاز است که دیوان نیز از این مهم غفلت نورزیده و رویکردهای

نظری و عملی خاصی را برای مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان این جنایات اتخاذ نموده است (یونیسف، ۲۰۲۰: ۳). توجه به این رویکردها در حقوق داخلی نیز می‌تواند ما را در جهت اصلاح و بهبود نحوه برخورد با کودکان بزه‌دیده جنسی رهنمون سازد. سوال اصلی پژوهش پیش‌رو آن است که رویه حمایتی دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به بزه‌دیدگی جنسی کودکان چیست؟ در پاسخ، در مبحث اول، ضمن تقسیم موضوع به سه مرحله مجزا، رویکرد حمایتی دیوان مورد بحث قرار گرفته و در مبحث دوم، ضمن بررسی آراء صادر شده از این نهاد و مقایسه عملکرد آن با سایر محاکم بین‌المللی، با رویکردی انتقادی به ارزیابی نقاط ضعف دیوان در موضوع حمایت عملی از کودکان بزه‌دیده جنسی پرداخته و راه-کارهایی برای غلبه بر نقاط ضعف ارائه گردیده است.

۲- دیوان بین‌المللی کیفری و حمایت از کودکان بزه‌دیده جنسی در مراحل دادرسی

در گذشته خشونت جنسی چندان مورد توجه حقوق بشردوستانه و یا قوانین کیفری بین‌المللی قرار نداشت. با این حال در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی و همزمان با افزایش مشارکت فعالان فمینیست در مجامع بین‌المللی رویکرد دولت‌ها نسبت به موضوع تغییر یافت. محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا در پدیدار ساختن و تثبیت جایگاه خشونت جنسی در قوانین بین‌المللی کیفری نقش اساسی داشتند و در نهایت، این جنایات در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز نمود یافت. مانند همه جنایات مندرج در اساسنامه، خشونت جنسی نیز باید در زمینه‌های خاصی رخ دهد تا به عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت شناخته شود. از جمله اینکه این اعمال خصوصاً در رابطه با کودکان باید به همراه یک درگیری مسلحانه صورت پذیرد و تحت قوانین لازم‌الاجرا در حقوق بشردوستانه قابل پیگرد باشد^۲ (گری، ۲۰۱۴: ۶۰۵-۶۰۴).

واضح است که زنان و به ویژه کودکان بزه‌دیده جنسی باید مورد توجه جدی قرار بگیرند، زیرا این جرایم به شدت احساس عزت قربانی را تضعیف می‌کند و عناصر محکمی از شرم و تحقیر را در شخص ایجاد می‌نماید. به گونه‌ای که صحبت نمودن در این باره نیز دشوار است. به همین منظور برخی از این نوع جنایات تحت عنوان «قاتل روح»^۳ نام می‌برند. هم‌چنین زنان و کودکانی که بزه‌دیده خشونت جنسی قرار می‌گیرند در معرض سوءاستفاده‌های بیشتری هستند. از آنجائیکه غالباً توسط خانواده‌ها و جوامع خانگی طرد می‌شوند، تنها راه زنده ماندن را در روی آوردن به دنیای روسپی‌گری یا اقدامات جنایی می‌یابند (برگزما، ۲۰۱۸: ۱۴۷). آن‌ها خود را در زندگی اسیر می‌دانند و کودکی خود را نابود شده می‌بینند، زیرا در ابتدای زندگی خود طعم همسر و مادر شدن را چشیده‌اند و در نتیجه از تحصیل محروم شده و همیشه با ترس زندگی کردند (چیکبو و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۴۱-۱۴۴). به منظور جلوگیری از چنین پیامدهایی دیوان بین‌المللی کیفری دست به حمایت‌های گوناگونی نسبت به کودکان به ویژه بزه‌دیدگان جنسی زده است. این حمایت‌ها قبل از رسیدگی، در حین رسیدگی و بعد از آن خواهد بود.

^۱UNICEF

^۲Art 8 (2) (b)&(e)

^۳Grey

^۴The killer of the soul

^۵Bergsma

^۶Chigbu

۲-۱- حمایت‌های پیش از رسیدگی

این حمایت‌ها را می‌توان به دو دسته قضائی و غیر قضائی تقسیم نمود که ذیلاً مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۲-۱-۱- سازوکارهای غیر قضائی

تا قبل از درگیر شدن دادگاه در یک وضعیت حساس، پاسخ‌گویان اولیه؛ همانند ارگان‌های سازمان ملل، نیروهای حافظ صلح و سازمان‌های غیردولتی در منطقه‌هایی که با جنایت بین‌المللی درگیر بوده و بر کودکان یا علیه آنها تأثیرگذار است، مستقر می‌شوند. این نهادها ضمن حمایت از کودکان به جمع‌آوری مطالب و مستندات می‌پردازند و دیوان ضمن احترام به استقلال آنها سعی در تقویت همکاری و پشتیبانی از آنها داشته، زیرا آنها می‌توانند در حین رسیدگی با دادگاه ارتباط بیشتری داشته باشند (دیوان بین‌المللی کیفری، ۲۰۱۶: ۴۱). از جمله چنین نهادهایی می‌توان به کمیسیون‌های حقیقت و نهادهای محلی اشاره داشت که در این نوشتار ذیل عنوان سازوکارهای غیر قضائی طبقه‌بندی شده‌اند.

۲-۱-۱-۱-۲- کمیسیون‌های حقیقت^۲

شماری از کشورها ایجاد کمیسیون حقیقت را برای تعیین مسئولیت پاسخگویی در مورد نقض حقوق بشر انتخاب کرده‌اند. از سال ۱۹۷۴ حداقل ۲۵ کمیسیون حقیقت‌یاب با احکام و منابع مختلف در کشورهایی همچون آلمان، گواتمالا، هائیتی و آفریقای جنوبی فعالیت داشته‌اند. هدف کمیسیون حقیقت، تعیین مسئولیت‌ها و بدست آوردن مدارک دقیق از قساوت‌های گذشته با گردآوری شهادت شهود است که جنایات قبلاً کشف نشده را روشن می‌سازد. رویه و عملکرد کمیسیون‌های حقیقت از ویژگی‌های یکسانی برخوردار نیست. برخی مجاز به نام بردن از افراد مسئول هستند و برخی دیگر کار خود را به ارائه توصیف کلی از آنچه اتفاق افتاده است محدود کرده‌اند. سازوکارهای جستجوی حقیقت به قربانیان این امکان را می‌دهد که شکایت خود را ابراز و از طیف وسیعی از مردم کسب اطلاع نمایند. براساس شهادت‌های جمع‌آوری شده، کمیسیون‌های حقیقت می‌توانند توصیه‌هایی برای جلوگیری از وقوع جرم در آینده ارائه دهند و همچنین مسئولیت نهادی یا فردی را تعیین نمایند. کمیسیون‌های حقیقت با درگیر کردن طیف گسترده‌ای از افراد، روشی امکانپذیر برای پاسخگویی در سطح جامعه ارائه می‌دهند و بنابراین، می‌توانند یک مکمل مهم برای دادرسی‌های قضائی که صرفاً مرتکبان اصلی و عمده جنایات را مورد توجه قرار می‌دهند، فراهم سازد. در برخی موارد، روش‌های قضائی و غیر قضائی می‌توانند در هم ادغام گردند و مکانیزمی را فراهم آورند که از طریق آن می‌توان صدای قربانیان را شنید (سالزار،^۳ ۲۰۱۱: ۶۲). کمیسیون‌های حقیقت تاکنون چندین روش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به کودکان به کار گرفته‌اند. به عنوان مثال، کمیسیون حقیقت آرژانتین با استفاده از یک نظرسنجی در بین کودکان، شهادت‌های قابل توجهی در مورد خشونت علیه کودکان از سوی بزرگسالان، به ویژه «مادران پلازا د مایو»،^۴ والدین و کارمندان مراقبت‌های بهداشتی به دست آورد. گزارش کمیسیون آرژانتین، *نونکا ماس*؛ گزارش کاملی است از قساوت‌هایی که علیه کودکان صورت گرفته است، از

^۲International Criminal Court (ICC)

^۳Truth commissions

^۴Salazar

^۵Mothers Plaza de Mayo

^۶Nonka Moss

جمله فرزندخواندگی اجباری، انکار عمدی هویت کودک کان و شکنجه و قتل کودکان. در گزارش کمیسیون شفاف‌سازی تاریخی گواتمالا، توجه دقیقی به جنایات مختلفی که علیه کودکان در هنگام درگیری‌های مدنی صورت گرفته بود، از جمله بکارگیری اجباری پسران زیر ۱۵ سال در خصومت‌ها، شکنجه‌های گسترده و قتل کودکان و خشونت‌های جنسی علیه دختران مبذول داشته شد. گزارشات کمیسیون‌های حقیقت به‌طور کلی به شهادت بزرگسالان در مورد کودکان تکیه دارند. این امر درک و دیدگاه‌های بزرگسالان را بر تجربیات کودکان تحمیل و کودکان را از حق گفتن داستان‌های خود محروم می‌نماید. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، کودکان حق دارند که شنیده شوند و داستان‌هایشان را به روش خود بازگو نمایند.

نتیجه مهم فرایند جستجوی حقیقت، چشم‌انداز صحیحی است که می‌تواند در مورد جنایاتی که علیه کودکان ارتکاب یافته در بستر صحیح تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ارائه دهد. با توجه به اینکه تحقیقات انجام شده در میان کودکان تحت تأثیر سرکوب سیاسی و درگیری مسلحانه نشان می‌دهد که پنهان کردن یا انکار جنایات گذشته بر هویت کودکان و رشد شخصیت آنها تأثیر منفی می‌گذارد، تأثیر کمیسیون‌های حقیقت می‌تواند بسیار با ارزش بوده و با آموزش کودکان در مورد تاریخ جامعه خود، به آنها کمک نماید تا آنچه را که در یک دوره درگیری یا نزاع سیاسی اتفاق افتاده است درک کنند. کمیسیون‌ها این پتانسیل را دارند که از انتقال تعصب و نفرت از یک نسل به نسل دیگر جلوگیری کنند و زنجیره خصومت را قطع نمایند. همچنین می‌توانند در مورد اصلاح نهادها و سیستم‌هایی که خشونت علیه کودکان را تسهیل می‌نمایند، توصیه‌هایی ارائه دهند (صلح بدون عدالت، ۲۰۰۲: ۱۲۷-۱۲۹).

۲-۱-۱-۲- روش‌های سنتی

بسیاری از جوامع سیستم‌های سنتی برای پاسخگویی ایجاد کرده‌اند که می‌تواند مکملی مهم برای مراحل قانونی دیوان و فرآیندهای جستجوی حقیقت باشد. در کشورهایی که با درگیری‌های شدیدی مواجه بوده‌اند، سیستم عدالت ملی و بین‌المللی ممکن است فاقد وسیله‌ای برای رسیدگی صحیح به تعداد بالای پرونده‌های ناشی از درگیری باشد، به ویژه در مواردی که تخلفات گسترده یا سیستماتیک بوده است. به عنوان مثال، در کشور رواندا، با گذشت ۸ سال از دوران جنگ و نسل‌کشی، حدود ۱۱۵,۰۰۰ نفر همچنان در زندان و به انتظار فرا رسیدن زمان محاکمه باقی مانده بودند. در چنین شرایطی، ابزارهای سنتی برای پاسخگویی می‌توانند یک مکمل عملی و ارزشمند برای اقدامات قانونی و سایر ساز و کارهای جستجوی حقیقت را فراهم آورند. در رواندا دادگاه‌های گاکاکا بر اساس سیستم عدالت سنتی تأسیس می‌شد تا بخشی از آن به عنوان مکانیسم فیلتر عمل نموده و فرآیند رسیدگی‌ها در دیوان را تسریع و تسهیل نماید. برای کودکانی که قربانی خشونت‌ها شده‌اند یا خود در ارتکاب آن شرکت کرده‌اند، اقدامات عدالت سنتی می‌تواند یک سیستم پاسخگویی مبتنی بر جامعه را فراهم کند. در برخورد با مجرمین کودک، سازوکارهای عدالت سنتی متمرکز بر توانبخشی، ادغام مجدد و تقویت احترام به حقوق دیگران است که این نیز از اصول مهم تأمین عدالت در نوجوانان است. علاوه بر این، روش‌های سنتی اغلب بر ارائه غرامت مستقیم به اشخاص آسیب دیده، مانند بازسازی خانه‌ای که ویران شده است یا کمک به همسایه قربانی قساوت، متمرکز است. از آنجائیکه که تمهیدات عدالت سنتی در سطح جامعه انجام می‌شود، احتمالاً ادغام مجدد کودک در آن جامعه را تسهیل خواهند نمود. این سازوکارها نه تنها در توانبخشی مجرمان نوجوان

مؤثر بوده، بلکه به نوعی ایجاد مشروعیت در افکار عمومی جامعه نسبت به ساز و کارهای اعمال شده را در پی خواهد داشت. به هر حال، کودکان نباید با شرکت در سازوکارهای سنتی از شرکت در سازوکارهای بین‌المللی عدالت کیفری، چه از نظر حقوق و ضمانت‌های دادرسی و چه از نظر مجازات، بی‌بهره بمانند. به عنوان مثال، دادرسی‌ها و هرگونه مجازات تحمیلی نباید شامل رفتار تحقیرآمیز، مجازات‌های غیرانسانی یا تبعیض بر اساس سن و جنسیت باشد. در واقع، برای اطمینان از اینکه کودکان شرکت‌کننده در سازوکارهای پاسخگویی سنتی بطور صحیح محافظت می‌شوند، حتی اگر سازوکارهای سنتی از نظر ماهیت غیرقانونی باشند، استفاده از برخی ضمانت‌های ابتدایی رویه‌ای ضروری خواهد بود (دفتر هماهنگی امور بشردوستانه؛ ۲۰۰۲).

۲-۱-۲- سازوکار قضائی دائمی؛ تمرکز بر دیوان بین‌المللی کیفری

در سال ۲۰۰۳، دفتر دادستان یک واحد جنسیت و کودکان^۱ متشکل از کارکنان با تخصص‌های حقوقی، روانی و اجتماعی ایجاد نمود تا در تمام مراحل دادرسی از کودکان پشتیبانی کند. این دفتر متعهد گردیده که با توجه به حساسیت کودکان میزان پیگرد و تحقیق در جرایمی که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد را تقویت نماید و حتی این موضوع را جزء شش هدف استراتژیک خود قرار داده و در این راستا بر مبنای حق عدم تبعیض عمل می‌کند. اولین اقدام دفتر آشنایی با شاهد و کودک بزه‌دیده است. از یک سو دفتر باید ویژگی‌های یک کودک از جمله آسیب‌پذیری‌ها، قابلیت‌ها و تاب‌آوری وی را مورد سنجش قرار دهد و از سوی دیگر ارزیابی‌های روانی، اجتماعی و امنیتی لازم را در نظر بگیرد (دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۳: ۲۷؛ دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۵: ۱۹). این ارزیابی فردی و اجتماعی باید توسط روان‌شناسان آموزش‌دیده صورت پذیرد. برای بهبود چنین روندی کارشناس و خانواده کودک بزه‌دیده می‌توانند در فرآیند مصاحبه دفتر حضور داشته باشند (دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۶: ۳۰ و ۳۲). دفتر قبل از شروع به رسیدگی سعی خواهد نمود تا رابطه‌ای توأم با اعتماد با کودک ایجاد نماید و حتی به او اطمینان خواهد داد تا در صورت همکاری، به خاطر اظهاراتش مورد تعقیب قرار نگرفته و مطالب گفته شده او را با مقام‌های داخلی به اشتراک نخواهند گذاشت. دیوان برای ایجاد این حس از افرادی که قبلاً رابطه اعتماد با آن‌ها برقرار کرده‌اند، استفاده نموده و یا از بزه‌دیدگان سابق که چنین تجربه‌ای را داشته‌اند، بهره می‌برد. هم‌چنین تلاش خواهد نمود که برای جلوگیری از آسیب‌های مجدد و ایجاد اخلال بیشتر در زندگی کودک بزه‌دیده جنسی میزان حضور او در مصاحبه‌های قبل از شروع به رسیدگی و حتی زمان حضور او در دادگاه را به حداقل ممکن برساند.^۲ هم‌چنین دفتر هنگامی که کودک حضور و شهادت دادن را فرایندی از بهبودی خود می‌داند، باید آن را تسهیل کند (دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۶: ۱۳ و ۲۹ و ۳۵). دفتر باید اطلاعاتی را در خصوص کودک آماده نماید تا در حین و بعد از رسیدگی بتواند از آن‌ها استفاده کند که از یک سو شامل مشخصات فردی کودک با در نظر گرفتن سن، بلوغ، تجربه، تحصیلات، قرار داشتن در گروه اقلیت، جنسیت، آواره بودن، زندانی

^۱UN Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA)

^۲Gender and Children Unit (GCU)

^۳International Criminal Court (ICC)

^۴International Criminal Court (ICC)

^۵International Criminal Court (ICC)

^۶نک: الزامات ماده (۱۰) ۹۳ و دستور العمل ۱۹۴.

^۷International Criminal Court (ICC)

بودن، قاچاق، آدم‌ربایی و مورد سوءاستفاده جنسی قرار داشتن بوده و از سوی دیگر توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کودک برای مثال، حضور یا عدم حضور والدین، اقامت در کنار خانواده، نحوه ارتباط او با خانواده و همچنین میزان ایمنی محل زندگی وی را شامل می‌شود (کمیتة حقوق کودک، ۲۰۰۵: پاراگراف ۲۰).

هرچند دادگاه کودک را وادار نمی‌کند که برای شهادت یا توضیح جرم حاضر شود، به کودکان شاهد یا بزه‌دیده مراجعه کننده راهنمایی ارائه می‌گردد. برای این منظور، تیم پشتیبانی واحد قربانیان و شاهدان خدماتی از جمله مداخله در بحران و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی را ارائه می‌دهد. همچنین کلیه شاهدانی را که در دادگاه شهادت می‌دهند با روند آشنایی^۳ آماده می‌کند. در این فرایند پیش از شهادت شهود، دادگاه به آن‌ها نشان داده می‌شود. اساس سیستم حمایتی دیوان اقداماتی است که با هدف پنهان کردن تعامل کودک بزه‌دیده یا شاهد با دیوان از جامعه وی و عموم مردم انجام می‌شود؛ اقدامات حفاظتی عملیاتی را می‌توان در محل سکونت وی اجرا کرد. به عنوان مثال سیستم پاسخ اولیه^۴ یک سیستم پاسخ اضطراری است که دادگاه را قادر می‌سازد در صورت وجود ترس از هدف قرار گرفتن شاهد یا قربانی، آن‌ها را در مکانی امن نگهداری نماید. اقدامات حفاظتی عملیاتی دیگر شامل آموزش کودک در مورد اهمیت رازداری و پوشش اخبار یا توافق در مورد طرح پشتیبانی اضطراری است (دیوان بین‌المللی کیفری، ۲۰۱۹: ۳۹). دیوان همچنین می‌تواند اقدامات حفاظتی رویه‌ای را اعمال نماید که ممکن است شامل تحریف صورت، صدا یا استفاده از نام مستعار یا پرده برای محافظت از کودک در برابر تماس مستقیم چشمی با متهم باشد. آخرین اقدام حمایتی مورد توجه دیوان، ورود به برنامه حمایت دیوان^۵ است که از طریق آن کودک و بستگان نزدیک وی برای حمایت در مقابل منبع تهدید، به صورت مخفیانه جابجا می‌شوند، اما با توجه به بار سنگینی که این روش بر دوش افراد می‌گذارد، جابجایی همچنان آخرین چاره است. چنین اقدام‌هایی به منظور ایمن‌سازی و راحتی کودک چه در مقام قربانی یا شاهد و چه در مقام بزه‌کار به صورت مساوی، به دور از هرگونه تبعیض و با اتکای بر اصل حفظ بهترین منافع کودک مورد استفاده قرار می‌گیرند (دیوان بین‌المللی کیفری، ۲۰۱۹: ۴۰).

۲-۲- حمایت‌های حین رسیدگی

طبق کنوانسیون حقوق کودک، کودک باید بتواند عقاید خود را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی است، ابراز نموده و به گفته‌های او بر اساس سن و بلوغش بها داده شود. بنابراین، خصوصاً برای وی فرصت‌هایی فراهم شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی، اجرایی و قضایی مربوط به خود به طور مناسب با شرایط خود ابراز عقیده نماید.^۶ تدوین کنندگان اساسنامه دیوان تحت تأثیر اعلامیه ۱۹۸۵ سازمان ملل در خصوص بزه‌دیدگان، بر حق بزه‌دیدگان برای ارائه و اظهار دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود تأکید دارد (رضوی فرد؛ فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۹). البته ابراز نگرانی‌ها

^۱Committee for the Rights of Child (CRC)

^۲ نک: الزامات ماده (۱۰) ۹۳ و دستور العمل ۱۹۴.

^۳Victim and Witness Unite (VWU)

^۴Familiarisation

^۵Initial Response System

^۶International Criminal Court (ICC)

^۷International Criminal Court's Protection Plan (ICCP)

^۸International Criminal Court (ICC)

^۹Art. 12.

محدود به خود کودک نبوده، بلکه نظرهای والدین و مراقبان او نیز حائز اهمیت است و مورد توجه دیوان قرار می‌گیرد (سازمان ملل متحد؛ ۲۰۰۸: ۳). به طور کلی اولین تعامل مستقیم قضات دیوان با کودکان در مرحله تحقیق رخ می‌دهد. تحقیق از کودکان علاوه بر وجود چالش‌هایی چون حفظ امنیت، رفاه جسمی و روانی، عزت و حریم خصوصی آنها، باید با رعایت بهترین منافع کودکان و اصول اساسی کنوانسیون حقوق کودک همراه باشد (دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۶: ۱۳). به همین منظور دیوان بیشتر قضات خود را از زنان انتخاب می‌نماید تا برخورد مناسبی با کودکان رخ دهد. همچنین بیشتر این قضات در زمینه مسائل جنسیتی و کودک‌شناسی تجربه و تخصص کافی دارند (جعفری؛ مولاییگی، ۱۳۹۷: ۲۶۹). دیوان در هنگام رسیدگی سعی در استفاده از مشاوران ویژه کودک داشته و امکان استفاده از متخصصان خارجی را هم فراهم نموده است (برگزما؛ ۲۰۱۸: ۱۴۷). در فرایند رسیدگی به جرایم جنسی تا جایی که امکان داشته باشد از حضور افراد متعدد در روند رسیدگی جلوگیری شده و در صورتی که حضور برخی از واسطه‌ها لازم باشد، دادگاه سعی خواهد نمود که این افراد از متخصصین حوزه کودک باشند (دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۴: ۷). تحقیق از کودکان بزه‌دیده جنسی به صورت فیلم و صوت ضبط می‌شود، مگر این که شرایط استثنایی کودک مانع از این کار گردد.^۵ با توجه به شرایط روانی کودک، دفتر می‌تواند خواستار ارائه شهادت و توضیحات او از طریق ویدئو کنفرانس برای دادگاه گردد. چنین برداشتی را می‌توان از قضیه لوبانگو و استدلال جالب دیوان در پذیرش این نوع شهادت داشت (نژندی‌منش؛ بذار، ۱۳۹۸: ۲۰۳-۲۰۴). با توجه به این که میزان پریشانی در بزه جنسی برای بزه‌دیده بیشتر است و دیوان موظف به حفظ منافع عالی کودک هست، به نظر می‌رسد چنین راه‌کاری در خصوص این کودکان قابل اعمال است، حتی اگر در شهر محل دادگاه باشند (دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۶: ۳۶).

پیگیری دیوان در خصوص بزه‌دیدگی کودک صرفاً منوط به مرتکبین سطح بالا نیست، بلکه مرتکبین متوسط و سطح پایینی که بزه جنسی علیه کودک انجام داده و مستندات لازم علیه آنان موجود باشد، را نیز در برمی‌گیرد (دیوان بین‌المللی کیفری؛ ۲۰۱۳: ۲۴). دیوان برای حفظ دادرسی عادلانه در بندهای ۲ و ۳ ماده ۶۸ اساسنامه انتخاب نماینده حقوقی برای بزه‌دیدگان را مورد توجه قرار داده و سعی در عدم افشای هویت بزه‌دیدگان جنسی و کودکان داشته است (دیوان بین‌المللی کیفری، ۱۹۹۸).

در جریان رسیدگی کودکان از دو طریق می‌توانند در برابر مواجهه مستقیم با متهم محافظت شوند: استفاده از صفحه نمایش و استفاده از امکانات دوربین مدار بسته (ایستوود؛ ۲۰۰۳: ۱۱۷). شرکت قربانیان در جلسه دادرسی داوطلبانه و روند درخواست - از جمله فرم‌های مربوط به درخواست و مواد اطلاعاتی - رایگان است. در دادرسی مستقل از سوی دادستان فرصتی به قربانیان داده می‌شود که به قضات کمک می‌کند تا تصویری واضح از آنچه برای آنها اتفاق افتاده است به دست آورند. نکته مهم آن است که دیوان با بهره‌گیری از تکنولوژی جدید، امکان برقراری ارتباط اینترنتی با

^۵United Nations

^۶International Criminal Court (ICC)

^۷Bergsma

^۸International Criminal Court (ICC)

^۹Rule 112(4)

^{۱۰}International Criminal Court (ICC)

^{۱۱}International Criminal Court (ICC)

^{۱۲}Eastwood

شاهدان و بزه‌دیدگان و تسهیل طرح دعوی و جمع‌آوری مدارک را فراهم آورده است. هرگونه اطلاعات مربوطه که بتواند شواهدی در رابطه با جرمی در صلاحیت ICC را ارائه نماید، می‌تواند در هر زمان به دادستانی ارسال شود که این به نوبه خود گامی بلند در مسیر پایان بی‌کیفرمانی محسوب می‌گردد. از جمله می‌توان به روند دادرسی در پرونده آلفرد یکاتوم و پاتریس-ادوارد نگاسونا اشاره کرد که در ۱۶ فوریه ۲۰۲۱ آغاز گردیده و همچنان در جریان رسیدگی است. دادستانی مهلت دریافت درخواست قربانیان برای مشارکت تا پایان پرونده را با توجه به مشکلات موجود در ارتباط با قربانیان و جمع‌آوری اطلاعات را با استفاده از برنامه‌های اینترنتی کاربردی در شرایط ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا تعیین نمود تا اطمینان حاصل شود که قربانیان از فرصت مناسب برای ثبت درخواست برخوردار هستند. از جمله جرایم تحت رسیدگی در این پرونده، مربوط به حمله به مدرسه یاموارا و ارتکاب جنایاتی از قبیل آزار و خشونت جنسی و سوءاستفاده از اشخاص زیر ۱۵ سال بوده که به دلیل حمایت از کودکان بزه‌دیده و شاهد در این پرونده، تصمیم به محرمانه بودن روند رسیدگی اتخاذ گردیده است (دیوان بین‌المللی کیفری، ۲۰۲۱: ۲۷). دیوان در جریان رسیدگی به پرونده آقای الحسن آخ عبدالعزیز آخ محمد آخ محمود (پرونده الحسن) که روند دادرسی آن را از سال ۲۰۱۸ آغاز نمود، برای حفاظت از هویت قربانیان و شاهدانی که کودکان قربانی خشونت جنسی نیز در میان آن‌ها هستند از نام‌های مستعار و حضور نمایندگان حقوقی استفاده نموده است (کورزینسکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۶).

۲-۳- حمایت‌های بعد از رسیدگی

موضوع کودکان و مشارکت آنها در فرآیند عدالت کیفری بین‌المللی و سایر سازوکارهای پاسخگوئی، به دلیل برخورداری از ضرورت و فوریت، به ویژه با توجه به تعداد کودکان قربانی، شاهد و عامل جنایات، تحت قوانین بین‌المللی و استلزامات رسیدگی توسط بازیگران مختلف از جمله دیوان بین‌المللی کیفری در حال گسترش است. در بررسی اقدامات این نهاد بین‌المللی در دوران پسارسیدگی دیوان، علاوه بر ارزیابی عملکرد این نهاد، بررسی چالش‌ها و راه-کارهای پیش روی دیوان در مسیر جبران خسارت کودکان بزه‌دیده جنسی قابل توجه هستند.

۲-۳-۱- فرآیندهای عملکرد دیوان در حوزه جبران خسارت کودکان بزه‌دیده جنسی

آنچه می‌تواند برای دیوان حایز اهمیت باشد، آن است که برخی از جرایم دارای گرانس‌های منفی عمیقی بر افراد جامعه است. بهبودی از این جرایم روشی دشوار و طولانی را می‌طلبد که همیشه هم منجر به احیای کامل بزه‌دیده نمی‌گردد. بسیاری از بزه‌دیدگان جنایت‌های جنسی مجبورند بقیه زندگی خود را با آسیب‌های جسمی جبران‌ناپذیر و یا بیمارهای بعضاً کشنده جنسی بگذرانند. پیامدهای چنین جامعه‌ای در صورت عدم حمایت درست از آن‌ها در بلندمدت بسیار خطرناک خواهد بود (برگزما^۲، ۲۰۱۸: ۱۸۳). از این‌رو دفتر سعی می‌کند بعد از اتمام حضور کودک در دادگاه، او را نسبت به تحولات پرونده، از قبیل احکام صادر شده، جبران خسارت، توجه به دغدغه‌های او حتی پس از شهادت در دادگاه آگاه سازد. هم‌چنین دفتر ضمن ارزیابی تأثیر شهادت بر روی کودکان بزه‌دیده، پاسخ‌گویی به مسائل ایمنی یا بهزیستی جسمی و روانی آن‌ها را بعد از شهادت و تعامل با دیگر شاهدان هم‌چنان بر عهده می‌گیرد و برای این منظور

^۱International Criminal Court (ICC)
^۲Korzinski
^۳Bergsma

سعی می‌کند از ظرفیت‌ها، تخصص و منابع سازمان‌های جامعه مدنی استفاده کند و ضمن پذیرش تفاوت‌های چشم‌گیر میان کودکان دختر و پسر ماهیت خدمات را بر اساس آن تعیین نماید (دیوان بین‌المللی کیفری، ۲۰۱۶: ۲۸ و ۳۷).

دیوان طبق ماده (۲) ۱۷۵ اساسنامه خود، برخلاف دادگاه‌های بین‌المللی کیفری پیشین امکان جبران خسارت بزه‌دیدگان را از طریق صدور احکامی علیه بزه‌کاران داراست (نژندی‌منش؛ آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۵۴). در پایان محاکمه، اگر محکومیتی وجود داشته باشد، دیوان می‌تواند شخص محکوم را به پرداخت غرامت به قربانیان جرایمی که نسبت به آن‌ها مقصر شناخته شده است، محکوم کند. لازم به ذکر است، از آنجائیکه مسأله ترمیم خسارت بزه‌دیده، در دیوان زمانی قابل تصور است که فرایند رسیدگی به اتمام رسیده باشد، می‌توان آن را جزء حمایت‌های بعد از رسیدگی دانست که بنا به درخواست بزه‌دیده یا حسب تشخیص خود دیوان صورت می‌گیرد (نیازمند و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۴). در این مرحله دیوان ضمن دعوت از بزه‌دیدگان، دیگر اشخاص ذی‌نفع، شخص محکوم‌علیه و حتی دولت‌ها برای جبران خسارت بزه‌دیدگان تصمیم‌گیری می‌نماید (دیوان بین‌المللی کیفری، ۱۹۹۸). جبران خسارت می‌تواند به صورت منفرد و یا گروهی ارائه گردد و دیوان این موضوع را برای ارزیابی به کارشناسان خود محول می‌کند (نژندی‌منش؛ آموزگار، ۱۳۹۶، ۱۵۵). عده‌ای معتقدند از آنجائیکه همه مدل‌های ترمیم در اساسنامه دیوان مشخص گردیده، نمی‌توان از اجبار مجرم به عذرخواهی از بزه‌دیده و ایجاد رضایت‌مندی و اقیاع‌سازی او بهره برد و نگاه دیوان بیشتر بر جبران خسارت مادی استوار است (مرگت، ۲۰۰۹: ۱۳۶) اما، گروهی نیز بر این نظر پای می‌فشارند که غرامت ممکن است شامل غرامت پولی، استرداد اموال، توان-بخشی، پشتیبانی پزشکی، مراکز خدمات قربانیان یا اقدامات نمادین مانند عذرخواهی یا ایجاد یادبودها باشد (دیوان بین-المللی کیفری، ۲۰۲۱) هرچند، دو مورد اخیر تاکنون از نمود عینی در آرای دیوان برخوردار نبوده‌اند. به نظر می‌رسد در مورد کودکان، راه کارهای جبران را محصور در سه مورد جبران خسارت، پرداخت غرامت و بازتوانی ندانیم؛ بلکه به صورت استثنایی دیوان از موثرترین جنبه‌های جبران خسارت برای کودک بهره می‌برد. دلیل چنین برداشتی از یک‌سو نگاه ویژه دیوان به کودک بزه‌دیده جنایت‌های بین‌المللی و رعایت ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک مبنی بر حفظ منافع عالیه او و از سوی دیگر تعمق در اسناد متعدد بین‌المللی است که^۵ بر حمایت‌های عاطفی، روحی و روان‌شناختی از بزه‌دیدگان خصوصاً کودکان بزه‌دیده تأکید ورزیده‌اند (عظیم‌زاده؛ هدایت، ۱۳۹۵، ۴۷). از این رو در خصوص کودکان باید طیف جبران را گسترده‌تر دانست. دیوان در بعد مادی جبران خسارت؛ *صندوق اعتماد* را ایجاد نموده است. منابع مالی این صندوق از راه‌های ذیل تامین می‌گردد:

الف) وجوهی که از بزه‌کاران محکوم به دست می‌آید،

ب) جزای نقدی که اخذ نموده است،

ج) کمک‌های داوطلبانه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، افراد و... (نژندی‌منش؛ آموزگار، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۵۷).

^۱International Criminal Court (ICC)

^۲International Criminal Court (ICC)

^۳Megret

^۴International Criminal Court (ICC)

^۵ ماده ۲۳ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه‌دیده و شهود مصوب ۲۰۰۴، ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از کودکان علیه استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی لنزاروت و ماده ۲۴ قانون نمونه محافظت از کودکان ژانویه ۲۰۱۳.

^۶The Trust Fund for Victims (TFV)

لازم است دیوان در راستای حمایت از کودکان بزه‌دیده به گونه‌ای داد‌گرایانه و مساوی - صرف نظر از این که در روند محاکمه شرکت کرده باشند یا خیر - در رابطه با ترمیم‌ها رفتار نماید. این موضوع به صراحت در پرونده توماس لوبانگو در سال ۲۰۱۲ مورد تایید قرار گرفته است (نیازمند و دیگران: ۱۳۹۸، ۱۴۴). البته حمایت‌ها علاوه بر کودکان بزه‌دیده جنسی، نسبت به کارکنانی که با این کودکان سروکار دارند و خانواده‌های آن‌ها هم اعمال می‌شود. دلیل ارائه این خدمات، حساسیت بالای شغل، استرس و آسیب‌های روانی ثانویه‌ای است که کارمند تحمل و یا به خانواده‌اش منتقل نموده است (دیوان بین‌المللی کیفری، ۲۰۱۶: ۴۱).

۲-۳-۲- برآیندها و راه‌کارهای بهبود عملکرد دیوان در حوزه جبران خسارت کودکان بزه‌دیده جنسی

دیوان برای تحقق مأموریت جبران خسارت خود، با یک چالش اساسی روبرو است. همان‌گونه که گفته شد، قرار گرفتن در معرض بی‌رحمی‌های جنگ می‌تواند پیامدهای جدی بر سلامت جسمی و روحی همه کودکان در درگیری مسلحانه داشته باشد. همچنین در بیشتر موارد کودکانی که طی یک درگیری قربانی شده‌اند، تا زمان شروع رسیدگی دیوان به موضوع جبران خسارت، دیگر کودک نخواهند بود. این امر همچنین ممکن است تأثیر بسزایی در نوع جبران‌هایی داشته باشد که می‌تواند توسط دادگاه صادر شود. اعاده سال‌های از دست رفته به یک بزه‌دیده غیرممکن است. در نتیجه، دیوان باید در هنگام طراحی غرامت موثر، معیاری برای اندازه‌گیری این خسارات پیدا کند و شاید صندوق اعتماد به تنهایی پاسخ مناسبی نباشد. با توجه به ماهیت انبوه جنایاتی که اساسنامه رم در خود جای داده است، احتمالاً تعداد زیادی ادعاهای احتمالی در مقابل منابع اندکی که در صندوق اعتماد وجود دارد قرار می‌گیرند. در این موارد دیوان به دلیل ماهیت، ساختار و هدف خود، به سادگی نمی‌تواند مکانیزمی را برای توزیع غرامت شخصی برای همه فراهم نماید. بعضی از مفسران پیشنهاد کرده‌اند که با ارزیابی آن دسته از پرونده‌هایی که به دادگاه ارائه می‌شوند، این امر ممکن است منجر به تفکیک قربانیان بر اساس اعتقاد به سلسله مراتب آسیب گردد که باید در مورد هر جلسه دادرسی، بسته به وضعیت مورد نظر، بودجه موجود و تعداد قربانیان بررسی شود (بیرچال و همکاران، ۲۰۱۱: ۷). دیوان ممکن است در این موارد به فعالیت‌های سایر نهادها مانند دادگاه بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر، جایی که مفاهیم «فرصت‌های از دست رفته»^۱ و یا «برنامه زندگی»^۲ توسعه یافته‌اند، توسل جوید. هنگام طراحی جبران خسارت برای کودکان قربانی خشونت جنسی، ICC باید این نکته را در نظر بگیرد که همه خشونت‌های جنسی متوجه دختران نیست و در بسیاری از موارد، پسران در حین درگیری مسلحانه به همان اندازه در معرض تجربه‌های آسیب‌زای جنسی قرار می‌گیرند. با توجه به آسیب‌های اجتماعی که می‌تواند به تخریب آینده قربانیان این تخلف منجر شود، دیوان همچنین باید نحوه اصلاح شبکه‌های اجتماعی و روابط آن‌ها را در جامعه بررسی کند. به عنوان مثال ابتکارات درآمدزا و ایجاد مهارت می‌توانند به توانمندسازی بزه‌دیدگان خشونت جنسی کمک کرده و توانایی آن‌ها را برای تبدیل شدن به اعضای فعال جامعه بهبود بخشند. دادگاه بین‌المللی آمریکایی تمایل بیشتری برای شناخت تأثیر ظریف نقض‌های جدی حقوق کودک بر یک بزه‌دیده نشان داده و از این آسیب به عنوان «خسارت

^۱International Criminal Court (ICC)

^۲Birchall

^۳Missed opportunities

^۴proyecto de vida (life plan)

غیرمالی^۱ یاد کرده که صرفاً از نظر مالی قابل ارزیابی نیست (دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر،^۲ ۲۰۱۰: ۱۱۴). در کنار این مفهوم، دادگاه بین آمریکایی به توسعه مفهوم جالب برنامه زندگی در آرای خود پرداخته است. این محکمه در رأی مربوط به پرونده *لویازا* در توضیح مفهوم برنامه زندگی بیان می‌دارد: «شبه مفهوم تحقق رویاهای شخصی است که به نوبه‌ی خود مبتنی بر گزینه‌هایی است که یک فرد ممکن است برای زندگی خود و رسیدن به هدفی که برای خود تعیین می‌کند داشته باشد (دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر،^۳ ۱۹۹۷: پاراگراف ۶۹)». ترجمه این رویکرد در رویه جبرانی دیوان بین‌المللی کیفری ممکن است ابزاری خلاقانه برای گسترش دامنه حکم جبرانی دیوان فراهم کند. این امر به ویژه در زمینه کودک سربازان و کودکانی که مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند، بسیار مهم است. مهم‌ترین شرایطی که این قربانیان برای بازسازی برنامه زندگی خود به آن نیاز دارند عبارتند از: ادغام مجدد در جامعه، مراقبت‌های بهداشت جسمی و روانی، ارائه آموزش شغلی و ایجاد فرصت‌های کاری پایدار (بیرچال^۴ و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۷-۱۹). تأیید و افشای کامل و علنی حقیقت، بازبانی، شناسایی و دفن مجدد اجساد مطابق خواسته صریح یا ضمنی قربانیان یا خانواده‌های آن‌ها، اعمال مجازات‌های قضایی و اداری علیه مسئولین؛ برگزاری بزرگداشت‌ها و ادای احترام به قربانیان نیز اقدام‌های نمادینی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (بیرچال^۵ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۵-۲۶).

۳- تحولات حقوق بین‌الملل کیفری در حمایت از قربانیان با تمرکز بر دیوان بین‌المللی کیفری

ریشه‌های تلاش جامعه جهانی برای برپایی نهاد عدالت کیفری بین‌المللی بسیار قدیمی‌تر از معاهده ورسای است. در سال ۱۸۷۲ برای اولین بار آقای «گوستاو مویی نی‌یر» اولین طرح اساسنامه محکمه بین‌المللی را به جریان انداخت تا امکان کمک‌رسانی به نظامیان زخمی در زمان جنگ مهیا باشد. با این همه سال‌ها بعد این تصور ابتدایی با امضای معاهده ورسای برای برپایی یک نهاد با مبنای مبتدی را فراهم نمود و از آن زمان شاهد ایجاد انواع دادگاه‌های کیفری در عرصه بین‌المللی هستیم. از این رو در این بخش مقایسه میزان حضور و توجه به کودکان بزه‌دیده جنسی در سایر محاکم بین‌المللی لازم می‌نماید. چنین رویکردی ما را قادر می‌سازد میزان پیشرفت عملی دیوان در تطابق با اسلاف آن را مورد سنجش قرار داده و به ارزیابی نقاط قوت و ضعف تنها نهاد بین‌المللی کیفری دائمی در این عرصه نائل آییم.

۳-۱- مقایسه رویه حمایتی دیوان با نسل‌های سه‌گانه محاکم بین‌المللی

در سال ۱۹۴۵، حقوق بشر بین‌المللی هنوز در مرحله جنینی به سر می‌برد. دادگاه‌های نظامی بین‌المللی در نورنبرگ و توکیو، نخستین دادگاه‌های بین‌المللی بودند که مرتکبان جرایم جنگی را تحت پیگرد قرار دادند. از بزه‌دیدگان در برابر این نسل از دادگاه‌ها به عنوان «گروه شکست خورده» یاد شده است (اسماعیل‌نسب، ۱۳۹۸: ۱۳۱-۱۳۲). تجاوز جنسی برای اولین بار در ماده ۲ قانون شماره ۱۰ شورای کنترل متفقین، به عنوان جرمی علیه بشریت شناخته شد. در سال ۱۹۹۳ بر اثر گزارش‌هایی مبتنی بر ارتکاب تجاوزات جنسی گسترده یا سازمان‌یافته در قلمروی یوگسلاوی سابق، مجمع عمومی سازمان ملل مجدداً تأکید کرد که ارتکاب تجاوز جنسی در شرایط خاص، جرم علیه بشریت محسوب می‌گردد (جعفری؛ مولاییگی: ۱۳۹۷، ۲۶۸). البته باید گفت، توجه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا به موضوع کودکان و

^۱Non-financial damages

^۲Inter-American Court for Human Rights (IACHR)

^۳Inter-American Court for Human Rights (IACHR)

^۴Birchall

^۵Birchall

جرایم جنسی علیه آن‌ها صرفاً به منظور نشان دادن سنگینی چنین جنایاتی بوده و گرنه قبل از ایجاد این دو دادگاه تجاوز به صورت مکرر اما غالباً نادیده گرفته شده هم به منظور پاک‌سازی قومی و هم تضعیف قدرت مردان مورد استفاده قرار می‌گرفته است (برگزما، ۲۰۱۸: ۱۵۲). یکی از ویژگی‌های مشترک محاکم نسل دوم این است که چندان علاقه‌ای به رسیدگی به درخواست بزه‌دیدگان نداشتند. بزه‌دیدگان نقشی در مقابل این دادگاه‌ها نداشته و حداکثر در جایگاه شاهد قرار می‌گرفتند (اوبر، ۱۳۸۷: ۱۱۵). با این حال یکی از ویژگی‌های مثبت دادگاه رواندا گسترش دامنه شمول جرایم جنسی به ویژه در حوزه کودکان است. چرا که هرگونه دخول فیزیکی به ارگان‌های بدن حتی به وسیله شی خارجی را هم شامل تجاوز می‌داند (خاک، ۱۳۸۷: ۱۱۵). به نظر می‌رسد، اولین دادگاهی که به طور ویژه به کودکان و جرم جنسی علیه آنان مرتبط بوده دادگاه ویژه سیرالئون باشد. این دادگاه در تعاریف شناخته شده در اساس‌نامه توجه ویژه‌ای به جرایم جنسی داشته است، به طوری که این جنایت شدیدترین نوع جنایات جنگی شناخته شده است. اگرچه ازدواج اجباری به صراحت در اساسنامه گنجانده نشده بود، با این حال دادستان در برابر بریما، کامارا و کانو (پرونده AFRC) دادگاه تجدید نظر تصمیم دادگاه را مبنی بر این که ازدواج اجباری را فقط نوعی برده‌داری جنسی معرفی کرده بود، منعکس کرد (برگزما، ۲۰۱۸: ۱۵۰).

در مواد ۷(۱)(g) و همچنین ۸(۲)(b) و ۸(۲)(e) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بسیاری از اشکال خشونت جنسی نام برده شده و ممکن است جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی در هر درگیری مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی تلقی گردد. در خصوص برده‌داری جنسی، اشاره ویژه‌ای به قاچاق افراد به ویژه زنان و کودکان شده است. به گونه‌ای که دفتر دیوان توجه ویژه‌ای به تأثیرات جنسیتی، آسیب‌های ناشی از آن و رنج کودکان آسیب‌دیده دارد (دیوان بین‌المللی کیفری، ۲۰۱۶: ۲۴). دیوان با توجه به تعهدی که در اساسنامه نسبت به کودکان داده است، در مورد جنایتی که علیه کودک بوده یا او را تحت تأثیر قرار دهد، در صورت لزوم، خود را صالح به دخالت می‌داند.

۳-۲- کودکان سربازان بزه‌دیده جنسی و صلاحیت نامحدود دادستان دیوان

سربازان دختر اغلب مورد تجاوز و بردگی جنسی قرار می‌گیرند و توسط فرماندهان و نیروها به عنوان هم‌سران بوته‌ای بهره‌برداری می‌شوند. یکی از قابل توجه‌ترین پرونده‌های دیوان در این خصوص، پرونده لوبانگو است. از دیدگاه عدالت جنسیتی، روند دادرسی پرونده با امتناع دادستان از افزودن اتهامات خشونت جنسی در کیفرخواست لکه‌دار است. دادستان، ضمن تأیید خشونت جنسی در استدلال‌های آغازین و پایانی، نه تنها برای اصلاح اتهامات و اضافه کردن خشونت جنسی بنا به توصیه قضات اقدام نکرد، بلکه با تلاش نماینده قانونی بزه‌دیدگان برای توصیف وقایع در خصوص خشونت جنسی مخالفت نمود. همه این موارد پیغام تأسف برانگیزی مبنی بر این که اختیار دادستانی بسیار بالا بوده و قابل اعتراض و مداخله از سوی قاضی نیست را می‌رساند. بنابراین، دیوان در اولین حکم خود نتوانست به وعده عدالت جنسیتی در اساسنامه رم عمل کند (ناینر، ۲۰۱۲: ۵۵-۵۴).

اخیراً، این مسئله در پرونده بوسکو نتاگاندا رسیدگی شده است. در سال ۲۰۱۴، دادگاه مقدماتی اتهامات مربوط به پرونده را تأیید کرد و دریافت که تجاوز جنسی و بردگی جنسی دختران سرباز در گروه مسلح وی توسط سایر اعضای

^۱Bergsma
^۲Bergsma
^۳International Criminal Court (ICC)
^۴Nainar

آن گروه طبق ماده (۲) ۸ اساسنامه می‌تواند جنایات جنگی محسوب گردد (گری، ۲۰۱۴: ۶۰۲-۶۰۱). پرونده ژان پیر بمباگومبو به جرم تجاوز جنسی و بردگی جنسی علیه کودک سربازان در جمهوری آفریقای مرکزی نیز در جریان است (ناینر، ۲۰۱۲: ۶۴). اساس اتهامات این پرونده بر جنایت شکنجه مبتنی است اما طبق گزارش ارائه شده از سوی سازمان‌های غیر دولتی، در میان موارد دیگر، تجاوز به یک کودک ۱۰ ساله عنصری از «عدم رضایت» دارد که آن را به جرمی متفاوت از شکنجه تبدیل می‌کند. به همین ترتیب، اجبار اعضای خانواده و از جمله فرزندان به تماشاگری تجاوز به اقوام خود مصداقی از خشونت جنسی علیه کودک دانسته شده که تحت تأثیر مادی و واقعی متمایز از تجاوز قرار می‌گیرد. این در حالی است که دادستان برای طرح این قبیل اعمال به عنوان جنایتی جدا از شکنجه اقدام ننموده و این امر به نوعی نگرانی از بازگشت دیوان به فضای فکری پرونده لوبانگو را به ذهن الغا می‌نماید (ناینر، ۲۰۱۲: ۶۵).

۴- نتیجه‌گیری

توجه به مسائل کودکان و نوجوانان به جهت آن که از یک سو آینده جوامع انسانی را شکل می‌دهند و در صورتی که برخورد نامناسب با آنان صورت بگیرد، پیامدهای خود را در بلندمدت بر جامعه نشان می‌دهد و از سوی دیگر بخاطر وضعیت فیزیولوژیکی خاص و همچنین ناپختگی دماغی که باعث می‌شود کودکان بیشتر در معرض بزه‌دیدگی و سوءاستفاده به ویژه از نوع جنسی قرار بگیرند، مهم بوده و این موضوع در بعد بین‌المللی بارها اثبات شده است. از بعد حمایت تا زمان ایجاد دیوان بین‌المللی کیفری از کودکان بزه‌دیده و به طور کلی بزه‌دیدگان حمایت زیادی صورت نمی‌گرفت. بعد از ایجاد دیوان اگرچه این نهاد اشخاص زیر ۱۸ سال را مورد تعقیب قرار نمی‌دهد؛ اما امکان حضور و فعالیت آن‌ها در روند رسیدگی کیفری از جهت بزه‌دیدگی و شاهد جرم وجود دارد. از این رو، دفتر دیوان از یک سو بخاطر حساسیت بالای روانی کودکان و از سوی دیگر خطرهای جانبی جرایم جنسی نسبت به آن‌ها سعی دارد تا در مراحل قبل از رسیدگی از طریق اقداماتی همانند شناخت بیشتر کودک و خانواده او و فراهم نمودن مقدمات حضور وی در روند رسیدگی، امنیت و حفاظت بهتر کودک را فراهم سازد. همچنین در مرحله رسیدگی تا حد امکان سعی در به حداقل رساندن حضور کودک داشته و برای او این حق را قائل است که هر زمان که مایل باشد از روند رسیدگی خارج گردد. در مرحله آخر دیوان سعی دارد کودک بزه‌دیده جنسی را بعد از رسیدگی نیز تنها نگذارد؛ زیرا در جرایم جنسی روند بهبودی طولانی بوده و گاه تا آخر عمر به طول می‌انجامد. توجه به دستورالعمل‌ها و رویه‌های حاکم در حوزه کودکان و بزه‌دیدگی جنسی در محاکم بین‌المللی می‌تواند پیشنهاد ویژه این پژوهش برای سیاست‌مداران جنایی ایران به ویژه در حوزه قضایی و اجرایی باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که در دادگاه‌های ما به مسأله بزه‌دیده و حقوق او توجه چندانی نشده و از کودک بزه‌دیده به ویژه در جرایم جنسی قبل از رسیدگی، حین رسیدگی و حتی بعد از آن حمایت چندانی صورت نمی‌گیرد. آنچه گذشت، شرح مختصری از اقدام‌های حمایتی مورد نظر دیوان بین‌المللی کیفری در مقایسه با دیگر نسل‌های محاکم بین‌المللی کیفری بود. حمایت از کودکان قربانی خشونت جنسی نزد دیوان، تنها وظیفه واحد قربانیان و شاهدان نبوده، بلکه تمام ارگان‌های دیوان باید در طول کار میدانی خود از روش‌های لازم

استفاده نمایند تا امنیت کودک و افرادی که با وی تعامل دارند را تضمین کنند. عملکرد حفاظتی ممکن است طیف وسیعی از اقدام‌ها را در برگیرد که به تناسب هر مورد، قابل استفاده هستند.

خط مشی مربوط به کودکان که توسط دادستانی دیوان بین‌المللی کیفری در سال ۲۰۱۶ منتشر شد گام مهمی در جهت پاسخگویی به آسیب‌های وارده به کودکان در درگیری‌های مسلحانه است. استفاده از رویکرد «حساس به کودک» به جای رویکرد افراطی «کودک محور» در عملکرد دیوان تعادل بین منافع کودک و حفظ حقوق متهم در حوزه دادرسی عادلانه که ذاتی کار دیوان است را تأمین نموده و دیوان را از تمرکز بر قربانی در جریان رسیدگی محفوظ خواهد داشت؛ در واقع، اصطلاح «رویکرد حساس به کودک» از رهنمودهای ۲۰۰۵ سازمان ملل در مورد رفتار با کودکانی که به عنوان بزه‌دیده یا شاهد در یک سیستم حقوقی ظاهر می‌شوند، گرفته شده است (آمن، ۲۰۱۹: ۸). همچنین توجه دیوان به رویه‌های اتخاذ شده در سایر نهادهای حقوق بشری بین‌المللی همچون دادگاه آمریکایی حقوق بشر از جمود دیوان و در نتیجه بی‌عملی این محکمه جلوگیری به عمل خواهد آورد. از این جمله می‌توان به مفاهیمی همچون برنامه زندگی و منافع از دست رفته در رویه دیوان بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر اشاره داشت که الگوی خوبی برای دیوان در برقراری جبران خسارت‌های لازم برای کودکان قربانی خشونت جنسی فراهم خواهد آورد. در حالی که خنثی‌سازی صدمات ناشی از نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به طور کامل غیرممکن است، ما بر آنیم که می‌توان به بازماندگان، به ویژه آسیب‌پذیرترین افراد در میان آن‌ها کمک کرد تا زندگی خود را بازسازی نموده و حیثیت و منزلت خود را بازیابند و در مسیر روشن پیش روی بشریت گام بردارند. اگرچه چارچوب حقوقی اساسنامه رم شامل قوانینی خاص برای کودکان است، این مقررات فقط زمینه حقوقی کاملاً کلی را ارائه می‌دهند و در نتیجه، مقررات عمومی مذکور باید با استفاده از سایر ابزارهای بین‌المللی موجود اعمال و تفسیر شود. لکن سازوکارهای بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های بین‌المللی تمرکز منظمی در مورد پاسخگویی به جرایمی که علیه کودکان ارتکاب یافته است، اتخاذ نکرده‌اند. به همین ترتیب، سازوکارهای غیر قضائی، فقط به تجربیات کودکان در درگیری‌های مسلحانه و سایر ناآرامی‌های مدنی، توجه محدود داشته‌اند.

ما معتقدیم که حقوق بین‌الملل می‌تواند برای تقویت حمایت تغییر کند. در این راستا، از جمله اقداماتی که اجرای واقعی و عملی آن ضروری است، ایجاد فرهنگ حقوق کودک در سیستم عدالت بین‌المللی کیفری است. البته محدود نمودن چنین استراتژی به دیوان شایسته نیست و در حقیقت سازمان‌های غیر دولتی محلی و بین‌المللی، سازمان‌های بین‌دولتی و سایر بازیگران مرتبط با موضوع موظف به مساعدت در ایجاد سیستم قضایی بین‌المللی هستند که نسبت به کودکان بزه دیده، بزه‌کار و شاهد جرم از ماهیتی فراگیر و بی‌خطر برخوردار بوده و نیازهای آنان را به درستی برطرف سازد. در همین زمینه، آنچه لازم می‌نماید، انعقاد موافقتنامه‌های دائمی و نه موقتی همکاری و پشتیبانی با آژانس‌های تخصصی سازمان ملل (به عنوان مثال یونیسف و انجمن زنان سازمان ملل) و همچنین سازمان‌های بین‌المللی و ملی بین‌دولتی و غیردولتی متخصص در زمینه حقوق کودکان است که باب بهره‌گیری صحیح از تخصص و دانش به دست آمده توسط سایر بازیگران پس از چندین دهه تجربه در زمینه حقوق کودکان را خواهد گشود. توافقنامه‌های نهادی با سازمان‌ها و

برنامه‌های حقوق کودک، فراتر از همکاری‌های غیر رسمی موردی، می‌توانند یک رابطه طولانی مدت بین دیوان و چنین مؤسساتی را تضمین نمایند.

منابع

- اسماعیل‌نسب، حسین (۱۳۹۸) عدالت ترمیمی در پرتو آراء سال ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۵۵.
- اوپر، برنات و مسه، میشل، جلوه‌هایی از حقوق کیفری فرانسه، ترجمه: بهزاد رضوی فرد، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵.
- جعفری، امین و مولایی، علی (۱۳۹۷) -سیاست جنایی تقنینی- قضایی ایران در قبال جرایم جنسی علیه کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره چهارم و هشتم، شماره ۲، صص ۲۵۷-۲۷۴.
- حاتمی، زهرا، تاریخ کودکی در ایران (از آغاز عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه)، انتشارات علم، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵.
- خاک، روناک (۱۳۸۷) جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری، **مجله حقوق بین‌المللی**، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹، صص ۱۰۱-۱۴۶.
- رضوی فرد، بهزاد و فقیه‌محمدی، حسن (۱۳۹۰) تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی، **مجله حقوقی بین‌المللی**، سال بیست و هشتم، شماره ۴۵، صص ۱۹۵-۲۳۳.
- عظیم‌زاده، شادی و هدایت، هدیه (۱۳۹۵) از جبران خسارت ناشی از جرم علیه کودک تا نحوه ترمیم خسارت؛ با نگاه تطبیقی به قوانین کشورهای اروپایی، آمریکایی و اسناد بین‌المللی، **پژوهش حقوق کیفری**، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۳۱-۶۵.
- علامه، غلام‌حیدر، جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۲) بررسی حقوقی، جرم‌شناسی اطفال و نوجوانان، **فصلنامه آراء**، سال سوم، شماره ۷، صص ۸۲-۹.
- نژندی‌منش، هیبت‌الله و آموزگار، شهریار (۱۳۹۶) جایگاه بزه‌دیده در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، **فصلنامه قضاوت**، دوره هفدهم، شماره ۹۱، صص ۱۳۵-۱۶۱.
- نژندی‌منش، هیبت‌الله و بذار، وحید (۱۳۹۸) شهادت از طریق ویدئو کنفرانس و رویه دادگاه‌های بین‌المللی در پذیرش آن، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۷، صص ۲۱۹-۲۴۰.
- نیازمند، ندا و رایجیان اصلی، مهرداد و ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۸) چالش‌های مترتب بر حق‌های بزه‌دیده در دیوان جنایی بین‌المللی، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره چهارم و نهم، شماره ۱، صص ۲۳۹-۲۵۷.
- Amann, Diane Marie (2019) The Policy on Children of the ICC Office of the Prosecutor: Toward greater accountability for crimes against and affecting children, **International Review of the Red Cross**, Vol. 101, No. 911, pp. 1-13.
- Bergsma, Morten, thematic prosecution of international sex crimes, Torkel Opsahl Academic EPublisher, Second Edition, Brussels, 2018.
- Birchall, Elena and Francq, Evie and Pijnenburg, Annick (2011) The International Criminal Court and Reparations for Child Victims of Armed Conflict, Edited: Clara Sandoval, Briefing Paper No. 4, ETJN, **Reparations Unit**, pp. 1-36.
- C. Sandoval and M. Duttwiler, "Redressing Non-pecuniary Damages of Torture Survivors: The Practice of The Inter-American Court of Human Rights" in G. Gilbert, F. Hampson and

- C. Sandoval (ed.), *The Delivery of Human Rights: Essays in Honour of Professor Sir Nigel Rodley*, (Routledge, 2010), 114-136.
- Chigbu, C and Ekweazi, K and Chigbu, C and Iwuji, S (2010) Sexual violation among married women in Southeastern Nigeria, *International Journal of Gynecology and Obstetrics*, Vol.110, No. 2, pp. 141-144.
 - Convention on the Rights of the Child, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989, entry into force 2 September 1990.
 - CRC, General comment No. 6, 1 September 2005, CRC/GC/2005/6, available at: <https://www.refworld.org/docid/42dd174b4.html>, (Accessed: 2023).
 - Eastwood, Christine, *Child Sexual Abuse and the Criminal Justice System :What Educators Need to Know*, Australia & New Zealand Journal of Law & Education, 2003, Vol.8, No.2, pp. 111-125.
 - Grey, Rosemary (2014) Sexual Violence against Child Soldiers, **International Feminist Journal of Politics**, Vol. 16, No. 4, pp. 601- 621.
 - IACHR, *Loayza Tamayo v. Peru Case*, (Peru), 1997, Available Online at: <https://iachr.ils.ed>, (Accessed: 2023).
 - ICC- Office of the Prosecutor, *Policy on Children*, 2016, Available Online at: <https://www.icc-cpi.in>, (Accessed: 2023).
 - ICC- Office of the Prosecutor, *Strategic Plan, June 2012-2015*(ICC-OTP/ 11 October 2013), pp. 1-43, Available Online at: <https://www.legal-tools.org>, (Accessed: 2023).
 - ICC- the Office of the Prosecutor, *Policy Paper on Preliminary Examinations*, 2013, pp. 1-28, Available Online at: <https://www.icc-cpi.int>, (Accessed: 2023).
 - ICC- the Office of the Prosecutor, *Strategic Plan 2016 – 2018*, (ICC-OTP /16 November 2015), pp. 1-62, Available Online at: <https://www.icc-cpi.int>, (Accessed: 2023).
 - ICC- Trial Chamber V, *case of The Prosecutor v. Alfred Rombhot Yekatom and Patrice-Edouard Ngaïssona*, ICC-01/14-01/18, 19.03.2021.
 - ICC- Trial Chamber VI, *The Prosecutor v. Bosco Ntaganda* - ICC-01/04-02/06, 2016.
 - ICC- Trial Chamber X, *The Prosecutor v. Al Hassan Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud*, ICC-01/12-01/18.
 - ICC, 2019, *Understanding the International Criminal Court*, First Edition, Netherlands-Hague, Public Information and Documentation Section.
 - ICC, *Guidelines Governing the Relations between the Court and Intermediaries for the Organs and Units of the Court and Counsel working with intermediaries*, March 2014, pp. 1-27.
 - ICC, *Rome Statute of the International Criminal Court*, Done at Rome on 17 July 1998, in force on 1 July 2002, United Nations, Treaty Series, vol. 2187, No. 38544, Depository: Secretary-General of the United Nations, <http://treaties.un.org>, (Accessed: 2023).
 - ICC, *Rules of Procedure and Evidence*, Official Records of the Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court, First session, New York, 3-10 September 2002 (ICC-ASP/1/3 and Corr.1), part II.A.
 - ICC, *The Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo*, ICC-01/05-01/08, 2018.
 - ICC, *The Prosecutor v. William Samoei Ruto, Henry Kiprono Kosgey and Joshua Arap Sang*, ICC-01/09-01/11, 2016.
 - ICC, *Trying individuals for genocide, war crimes, crimes against humanity, and aggression*, 2021, Available Online at: <https://www.icc-cpi.int>, (Accessed: 2023).
 - Korzinski, Michael and Mezey, Gillian and Weierstall-Pust, Roland (2020) Report on Medical Examination pursuant to Rule 135 of the Rules of Procedure and Evidence in the case of Mr. AL HASSAN Ag Abdoul Aziz Ag Mohamed Ag Mahmoud, case number ICC-01/12-01/1, 8th December 2020, pp. 1-58, ICC-01/12-01/18-1197-Conf-Anx.

- Mahmud, Semira (2016) Using a Case study, Asses the International Criminal Court's Performance in prosecuting The crime of Rape; See discussions at: <https://www.researchgate.net/publication/321676676>, (Accessed:2023).
- Megret, Federic (2009) The International Criminal Court Statute and the Failure to Mention Symbolic Reparation, **International Review of Victimology**, Vol.16, No.2, pp. 127-147.
- Nainar, Vahida (2012) Manual Litigation Strategies for Sexual Violence in Africa, **The Redress Trust**, pp. 1-98.
- No Peace Without Justice, International Criminal Justice and Children. UNICEF Innocenti Research Centre, first publish, Innocenti, 2002.
- NPWJ, "International Justice and Children", Available Online at: <http://www.npwj.org>, 2019.
- Pena, Mariana and Carayon, Gaelle (2013) Is the icc Making the Most of Victim Participation?, *The International Journal of Transitional Justice*, Vol. 7, pp. 518-535.
- Rakisits, Claude (2009) Child Soldiers in the East of the Democratic Republic of the Congo, **Refugee Survey Quarterly**, Vol.27, No.4, pp.108-122.
- Salazar Volkman, Christian (2001) Child rights in truth commission reports: Atechnical paper for the preparation of the Truth Commission for Sierra Leone, Children and the Truth and Reconciliation Commission for Sierra Leone, **UNICEF**, NFHR, and UNAMSIL/Human Rights.
- Turner, Jenia Iontcheva (2008) Defense Perspectives on Law and Politics in International Criminal Trials, **Virginia Journal of International Law**, Vol. 48, pp. 529-594.
- UN Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA) (2002) Rwanda: Training of gacaca judges begins, **IRIN News website**, Nairobi, 10 April 2002.
- UNICEF (2020) Action to End Child Sexual Abuse and Exploitation, **UNICEF Child Protection Section Programme**, pp.1-48.
- United Nations- Secretary-General, Guidance Note of the Secretary-General: UN Approach to Justice for Children, 2008, pp. 1-7, Available Online at: <https://www.un.org>, (Accessed: 2023).
- Wheeler, Caleb (2016) No Longer Just a Victim: The Impact of Victim Participation on Trial Proceedings at the International Criminal Court, **international criminal law review**, Vol. 16, pp. 525-546.
- Wyngaert, Christine Van den (2011) Victims Before International Criminal Courts: Some Views and Concerns of an ICC Judge, **Case Western Reserve Journal of International Law**, Vol. 44, pp.475-496.

International Criminal Court Advocacy Procedure for Child Sexual Victimization

Abstract

Among victims of international crimes, children and adolescents need more support because they are growing mentally and physically and their personality has not been properly formed. Among these, victims of sexual assault are at greater risk, such as repeated abuse, future crime, prostitution, expulsion from society and various sexually transmitted diseases. The leading research by library method seeks to find the level of attention of international criminal court to the sexual abuse of children and also the types of support provided to them in this court. Findings of the study show that the International Criminal Court pays more attention to this issue than other. However, there are still many gaps and weaknesses in the Court's performance and there is a long distance from the theoretical approach to the practical procedure of the Court, which makes it necessary to balance the goals of the Court's proceedings and follow the example of some international judicial institutions in some cases.

Keywords: Sexual Victims, Children, International Criminal Court, Supportive Perspective, Child sensitive approach